

طبقه کارگر و اول مه

خالد حاج محمدی

امسال بار دیگر در سراسر جهان، کارگران در اول مه با راهپیمایی و تجمعات مختلف روز همبستگی جهانی خود را گرامی داشتند. اول مه امسال و اعتراضات و مراسم های کارگری مهر یک دوره تاریخی را بر خود داشت. دوره ای که علاوه بر پاندمی کرونا و تأثیرات مخرب آن بر بشریت و خصوصاً بر زندگی طبقه کارگر، ما شاهد تعرضات وسیع دولت های بورژوازی به سطح معیشت این طبقه بودیم. دوره ای که علاوه بر بیکاری و افزایش روز افزون آن، با کاهش جدی خدمات اجتماعی، با خصوصی کردن طب و آموزش و پرورش و با گرانی سرسام آور نیازمندی های مردم، با شانه خالی کردن دولتهای بورژوازی از قبول ابتدایی ترین مسئولیت در قبال شهروندان، فقری همه جانبه را به طبقه کارگر و بخشهای محروم جامعه تحمیل کردند. ص ۳



قطعه نامه شبکه کارگران

سوسیالیست

مقدمه نشریه حکمتیست: با شروع جنگ در اوکراین، دستگاه تبلیغاتی میدیای رسمی در غرب پا به پای دولت های بورژوازی خود به کار افتادند تا تصویر جهان دو قطبی را به مردم جهان حقه کنند. ادعا کردند که این جنگ، جدال میان حق و باطل، دموکراسی و دیکتاتوری، مظلوم و ظالم است و هر کس باید یا در کمپ روسیه (و آنهم نه هیئت حاکمه در روسیه بلکه شخص پوتین) و یا در صف غرب و ناتو نام نویسی کند. در بوق و کرنا کردند که تنها یک میدان مبارزه وجود دارد و آنهم جنگیدن و کشتار و نابودی است. در این میان، تمامی مصائب و مشکلاتی که مردم با آن دست بگریبان بودند و هستند، گرانی، کمبود امکانات سراسری، وخامت زندگی، کاهش قدرت خرید و غیره، همگی به این جنگ نسبت داده شد و نفرین ها نثار پوتین شد. همزمان با همپاران و کشتار مردم بی دفاع و بر طبل جنگ کوبیدن، بن بست های سیاسی و اقتصادی کلان را زیر فرش کردند و راسیسم عربیان به جلو رانده شد. نه تنها احزاب و جریانات راست و افراطی، بلکه احزاب سوسیال دموکراسی، سازمان های سنتی و حاشیه ای رسمی و تمامی نیروهایی که در ادامه حیات حکومت های بورژوازی نفع دارند، به صفوف دولت های خود پیوستند و به این شرایط دامن زدند. اما این یورش همه جانبه نمی توانست عمر طولانی داشته باشد. بشریت متمدن پس از یک مدت کوتاه، از شوک وارد شده عبور کرد و اعتراضات در کشورهای متعدد در مقابل تحمیل جنگ و میلیتاریسم شروع شد. تظاهرات ها در فرانسه و آلمان در مقابل این هجوم بین المللی بورژوازی، اولین جرقه از این اعتراضات را زد. و امروز ما شاهد گسترش این مقابله در کشورهای دیگر و عدم قبول این شرایط هستیم.

قطعه نامه زیر تنها یک نمونه از گسترش این اعتراضات است که در نیمه ماه آوریل، در اجلاس شبکه کارگران سوسیالیست (Socialist Labour Network) با اکثریت قاطع، به تصویب رسید. اصل قطعه نامه به زبان انگلیسی است و رفیق سعید محمدی آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است. توجه شما را به اصل قطعه نامه جلب میکنیم. ... صفحه ۴

گزارش تشکیلات خارج کشور حزب

از برگزاری مراسم های اول ماه مه

در کشورهای مختلف

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست

۵ مه ۲۰۲۲ - ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

رویدادهای سیاسی هفته

فرانسه؛ ماه غسل یک هفتهای آقای ریس جمهور

«برادر بزرگ» و روز جهانی آزادی مطبوعات

فواد عبداللهی

فرانسه؛ ماه غسل یک هفتهای آقای ریس جمهور

حداقل دو واقعیت مهم و یک هشدار تاریخی در انتخابات ریاست جمهوری اخیر در فرانسه تثبیت شد. نخست به واقعیتها بپردازیم؛ اولین واقعیت اینست که مارین لوپن، نامزد راست افراطی که بخاطر خصومتش با اتحادیه اروپا و غیر فرانسویان شناخته می شود، در انتخابات شکست خورد. اما با بالاترین درصد آرائی که حزب او تا به حال داشته است.

دومین واقعیت اینست که امانوئل ماکرون، از حزب راست میانه در انتخابات پیروز شد. اما به دلیل عدم مشارکت بی سابقه تاریخی مردم در انتخابات فرانسه در نیم قرن پیش، به تعداد آراء بالا دست پیدا کرد.

حتی برای بسیاری از رای دهندگان، انتخابات اخیر فرانسه کمتر به این موضوع بستگی داشت که می خواهند از چه کسی حمایت کنند تا اینکه با چه کسی مخالفت کنند. طبق نظرسنجیها ۴۵ درصد کسانی که با وجود بیزاری از ماکرون، به وی رای داده اند هدفی جز مقابله با به قدرت رسیدن راست افراطی نداشته اند. همان نظر سنجیها نشان داد که عکس این هم صادق است. حدود نیمی از رای دهندگان به لوپن بیشتر با ادامه سیاستهای راست میانه به رهبری ماکرون مخالف بودند تا حمایت از راست افراطی! در دور دوم انتخابات، رای شرکت کنندگان «نه» به هر دو کاندیدا بود تا آری به هریک از آنان! نکته قابل توجه اینکه، در این انتخابات رای ممتنع و سفید به بالاترین حد خود رسید. تحولی قابل توجه در فرانسه، جایی که مشارکت در انتخابات به لحاظ تاریخی بعد از جنگ جهانی دوم حدود ۸۰ درصد بوده است.

اما هشدار تاریخی چیست؟ کارشناسانی که تاریخ انقلابات در فرانسه را مطالعه می کنند نشانههایی از یک «خطر» عظیم اجتماعی می بینند که جامعه فرانسه را به سمت یک انتخاب دیگر سوق می دهد.

فرایندی که از بالماسکه «انتخابات» صوری در نظام دموکراسی غربی عبور کرده و آنقدر «خطرناک» است که دست به ریشه ساختار می برد و مناسبات حاکم را دگرگون می کند. صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

ترنس پترسون مورخ سیاسی در دانشگاه فلوریدا می‌گوید: «اکنون که شاهد یک گسست تمام عیار میان شهروندان با ساختار حاکمیت در فرانسه هستیم و شهروندان در نظم پارلمانی حاکم در فرانسه نمایندگی نمی‌شوند این سوال بر فراز تاریخ فرانسه دوباره مطرح شده است که برای تغییر اوضاع به نفع اکثریت شهروندان، راهی جز رجعت به تجربه تاریخ انقلابات در فرانسه مانده است و انتخاب دیگری در حال زایمان است.» این حقیقت که «شیخ» تحولات رادیکال اجتماعی در فرانسه از انقلاب کبیر تا کمون پاریس همچنان بر فراز جامعه در گشت و گذار است، فرانسه را به یکی از حاصل‌خیزترین جوامع اروپایی برای انقلابی دیگر تبدیل کرده است. عدم مشارکت مردم در انتخابات اخیر و اعتراضات بعد از آن، «خطر» این تجربیات و «انتخاب سوم» را بر سر بورژوازی فرانسه از راست تا «چپ» آن گرفته است.

هنوز یک هفته از ماه عسل ماکرون نگذشته که فرانسه به فراخوان اتحادیه‌های کارگری در اول ماه مه خروشید. هزاران نفر در سراسر فرانسه در روز جهانی طبقه کارگر علیه ریاضت اقتصادی، فقر و بیکاری وارد میدان شدند. شواهد حاکیست که فشار پایین به شکاف و اغتشاش در بالا و در هیئت حاکمه دامن زده است. بدون شک نبرد سیاسی بعدی، نبردی است که دیگر قدرت خود را نه از پارلمان و احزاب پارلمانی که در میادین وسیع شهرها، کارخانه‌ها، محلات و مجامع عمومی از رهبران و سخنگویان کارگری و مردمی می‌گیرد. امروز برای هر عابری روشن شده که هر ذره رفاه و انسانیت در جامعه به دامنه قدرت طبقه کارگر و سازمان‌های کارگری در برابر بنگاه‌های سرمایه‌داری و احزاب و دولت‌های وابسته به آنها گره خورده است. فرانسه امروز در آغاز راهی است که کمون پاریس پرچم‌دار آن بود.

«برادر بزرگ» و روز جهانی آزادی مطبوعات

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، سوم ماه مه به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات گفت که «مطبوعات آزاد، نگهبان حقیقت است.»

اشک تمساح آقای جو بایدن را چه کسی باور می‌کند وقتی که «وزارت حقیقت» جناب رئیس‌جمهور بیش از ده سال است که شبکه افشاگر جهانی «ویکی‌لیکس» را جنایی اعلام کرده و قرار است جولیان آسانژ، مدیر این شبکه را تنها به جرم افشای جنایات جنگی دولت آمریکا در افغانستان و عراق با حکم ۱۷۵ سال زندان به صلیب بکشد؟! جو بایدن در راس «دمکراتیک»ترین و مخوف‌ترین دولت جهان سرمایه‌داری است. ماموریت «وزارتخانه حقیقت» در آمریکا، همیشه تغییر و تحریف واقعیت‌های تاریخ در خدمت تولید دروغ و جنگ‌طلبی بوده است. دروغ‌هایی که آقای بایدن بنام حقیقت، همانند «برادر بزرگ» در رمان ۱۹۸۴، لزوم ثبت شدن‌شان را تعیین می‌کند. از نظر آقای بایدن و تمام دولت‌های قبلی در آمریکا و بخشا در اروپا، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران، بردگان «وزارت حقیقت» در دموکراسی غربی هستند که وظیفه‌شان انتشار «حقیقت» مورد نظر «برادر بزرگ» است و گرنه همچون جولیان آسانژ مجازات می‌شوند. در جهان امروز، از الگوهای «دمکراتیک» حاکمیت سرمایه‌داری در اروپا و آمریکا تا خونریزترین اشکال آن در جوامع خاورمیانه یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند: بستن دهان شهروندان معترض و تحمیل سکوت به جوامع بشری! در جهان سرمایه‌داری همچنان «جنگ صلح است، آزادی اسارت است و نادانی توانایی است.»

در چنین جهانی با چنین مختصاتی، منبع لایزال «حقیقت»، حاکمانند. در این جهان، داشتن رسانه یک امتیاز است نه یک حق همگانی. امتیازی است که «وزارت حقیقت» به جیره‌خواران خاص خود می‌دهد. هر چه به او نزدیک‌تر باشید مجوز رسانه بزرگ‌تری را می‌گیرید. خود حکومت‌ها، صاحب بزرگ‌ترین صداها و بزرگ‌ترین بلندگوها هستند. در چنین جهانی، پرسش، یعنی تردید، و تردید، یک عنوان مجرمانه به اسم «دشمن منافع ملی» یا «تشویش افکار عمومی» است که ارتکاب آن، مانند نمونه ویکی‌لیکس پیگرد قانونی دارد. در این جهان روایت غالب و روایت رسمی همان است که از زبان مقام‌های دولتی و رسانه‌های جنگی بیان می‌شود.

در چنین ساختاری است که به رسانه‌ها ابلاغ شد که راه «مبارزه با تروریسم» و «صلح جهانی» از حمله نظامی به عراق می‌گذرد و رسانه‌ها این ادعا را بدون هیچ تردیدی منتشر کردند، «سند» پشت «سند» در اثبات اینکه صدام به سلاح‌های کشتار جمعی مسلح است منتشر کردند و «تحلیلگران» و «کارشناسان»‌شان در مورد «ضرورت» مقابله با آن، هزاران صفحه را سیاه کردند و بر طبل حمله و کشتار جمعی مردم بیگناه عراق کوبیدند.

در چنین ساختاری است که به رسانه‌ها ابلاغ می‌شود که اعتراض علیه آپارتاید قومی دولت اسرائیل در حق مردم فلسطین، معادل «آنتی سمیتسم» است و در جوامع غربی ممنوع است، و رسانه‌ها این ادعا را بدون هیچ تردیدی منتشر می‌کنند.

در چنین ساختاری است که به رسانه‌ها ابلاغ می‌شود که ریشه‌های جنگ در اوکراین به دیوانه‌ای به نام پوتین برمی‌گردد، خارج از این روایت رسمی هر روایت دیگری جرم است و پیگرد قانونی دارد و نگهبانان «حقیقت» در غرب این ادعا را بدون هیچ تردیدی منتشر می‌کنند. در راس این ماشین ایدئولوژیک جنگی، بورژوازی غرب نشسته است؛ دست‌راستی‌ترین و فاشیستی‌ترین باندهای سیاسی نشسته‌اند؛ عریده‌های ناسیونالیستی و تعرض به انسان غیر اروپایی - آمریکایی چنان تهوع‌آور است که حتی صدای محافظه‌کاران سنتی در صفوف احزاب بورژوازی غرب را هم درآورده است و هراس از فضای «روس» کشی و «شرقی» کشی از سر و کول‌شان بالا رفته است.

اما اگر جهان امروز تنها جهان یکه‌تازی دولت‌های سرمایه‌داری و «وزارت حقیقت»‌شان بود، اگر دنیا تنها صحنه ریاکاری رسانه‌های غربی و ژورنالیسم جنگی دولت‌ها بود، بدون شک تاکنون خفقان، تباهی، راسیسم، سیاهی، دروغ، نفرت و جنگ‌طلبی، جامعه بشری را خفه کرده بود. اما جهان امروز صحنه یک کشمکش بنیادین بر سر بازتعریف یک حقیقت طبقاتی است. دیپلماسی مخفی و «پنهان‌کاری ساختاری» حاکمان جهان سرمایه‌داری بیش از این از پس موج ساختارشکنانه شهروندان تشنه رفاه و دسترسی به اطلاعات بر نمی‌آید. میلیون‌ها انسان مشتاق و شیفته حقیقت با روایتی ساختارشکنانه از وقایع از آمریکا و اروپا تا خاورمیانه به حرکت درآمده‌اند. «حقیقت»‌ها از زاویه منافع شهروندان جهان با «حقیقت»‌ها از نگاه حاکمان جهان تفاوت ماهیتی دارند. بشریت از رخوت دهه نود بیدار شده است و نبرد علیه روایت رسمی رسانه‌ها و دولت‌ها آغاز شده است.

بورژوازی غرب بیش از این قادر نیست بلحاظ فکری و سیاسی بر سکوی «دمکراسی»، «پارلماناریسم» و «حقوق بشر» مانور دهد. با هر داعیه «حقیقت‌جویی» آمریکا و دول غربی، صدها پرونده از جنایات دموکراسی غربی از جنگ جهانی دوم به این سو رو می‌شود و دیوار سانسور و اختناق «وزارت حقیقت»‌شان را فرو می‌ریزد. نطفه‌های حاکم شدن بشریت بر سرنوشته خویش بسته شده است. جدال بر سر آزادی بیان، آزادی دسترسی به حقایق دستکاری نشده، آزادی بدون قید و شرط مطبوعات و نشر حقایق به یکی از جدال‌های جدی جامعه بشری تبدیل می‌شود. ورق برمی‌گردد و حقیقت از منظر طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه بازتعریف می‌شود. با قطبی‌شدن هرچه بیشتر جدال جنبش‌های سیاسی در مقابله با تعرض بورژوازی به دستاوردهای سه قرن اخیر، پرچم مارکس و کمونیسم طبقه کارگر به سرعت به اهتزاز در می‌آید.

امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی‌کردن نقشه‌های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به شورا‌های کارگری و مردمی در محل کار و زیست می‌زند و به این مکانیسم‌های اجتماعی قدرت متکی می‌شود.

آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و پیشرفته‌ترین نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

اول ماه مه مهر این دوره و نقش و جایگاه طبقه کارگر را بر خود داشت. تلاش فعالین کارگری برای برگزاری اول مه، فراخوانهای محافل و جمع ها و نهادهای مختلف به این مناسبت، همگی مهر این دوره و جایگاه مهم طبقه کارگر را بر خود داشت.

جمهوری اسلامی نیز در هراس از مراسمهای کارگری و تجمعات و جشن و شادی آنها، به روال هر سال بار دیگر تلاش کرد فضای پلیسی را بر جامعه حاکم کند و دست به تهدید و احضار فعالین کارگری و منع کردن صدها نفر از شرکت و دخالت در سازمان دادن مراسمهای روز کارگر شد. تحریک حاکمیت و مراکز پلیسی و اطلاعاتی آنها بیش از هر چیز بیان ترس و نگرانی آنها از روز کارگر و از هر تجمع کارگری بود. تماسهای تلفنی و احضارها و تهدیدها و خط و نشان کشیدنها برای فعالین کارگری و شخصیتهای خوشنام و مدافعان این طبقه و بعلاوه تهدید معلمین و دستگیری تعدادی از آنها نه نشانه قدرت که نشانه ضعف و ترس از هر تجمعی بود. اما با همه این تلاشها در بسیاری از شهرها و مراکز کارگری تجمعاتی از کارگران و خانواده های آنها شکل گرفت که شاید برجسته ترین آن تجمع کارگران هفت تپه بود. کارگران هفت تپه از قبل اعلام کرده بودند که اول مه را در شرکت کشت و صنعت هفت تپه با تجمع خود گرامی میدارند. در این روز کارگران جمع شدند و سخنگویان و نمایندگان آنها با شاد باش روز جهانی کارگری برای رفقای خود سخنرانی کردند. امسال کارگر نمونه را نه کارفرمایان مفتخور، نه دولت نماینده بورژوازی و نه توسط خانه کارگر از میان مطیع ترین ها و مدافعان نظام، که خود کارگران هفت تپه از میان رادیکال ترین، جسورترین، محبوب ترین و خوشنام ترین کارگران انتخاب کردند و از «سنگر» خود به جهانیان با صدای رسا و «بخشی بخشی»، اسماعیل بخشی را به عنوان کارگر نمونه به جهانیان معرفی کردند!

اما و مستقل از سطح و دامنه مراسمها و جشنهای کارگری در اول مه، هر جا هر جمعی تشکیل شد و هر تجمع کوچک و بزرگی شکل گرفت، مهر یک حق طلبی و برابری خواهی، مهر ضدیت یک طبقه با نظام کار مزدی را بر خود داشت. نفس این ماجرا بیان و نتیجه پیشروی های جنبش کارگری و نقش و جایگاه کمونیسم این طبقه در جامعه ایران است.

بی تردید طبقه کارگر هر سال از تجربه خود و از تجربه بخشهای دیگر این طبقه در همه کشورها می آموزد. قطعاً فعالین کارگری و خصوصاً کارگران سوسیالیست تجربه امسال طبقه کارگر در ایران را بررسی میکنند و تلاش میکنند از آن در خدمت پیشروی و اتحاد بیشتر صفوف خود استفاده کنند. محروم بودن طبقه کارگر از تشکلهای خود، عدم تعطیل عملی اول مه (علیرغم اعلام تعطیلی آن در قانون کار)، محدودیتهای جدی ای برای جنبش ما فراهم کرده است. اما تا هم اکنون هم وسیعترین اعتصابات کارگری با هماهنگی و کار جدی فعالین و رهبران کارگری پیش رفته است. اعتصابات وسیع کارگران بافق، دهها اعتصاب و اعتراض در پتروشیمی ها، کارگران پروژه ای در نفت و گاز و... و اعتصابات طولانی مدت و مقاومت قهرمانانه و متحد کارگران فولاد و هفت تپه، اعتصابات کارگران در معادن، کارگران هپکو و آذر آب و... همگی بر دوش صفی از رهبران، نمایندگان و سخنگویان کارگری پیش رفته است. بر کسی پوشیده نیست که جنبش ما و طبقه ما احتیاج به پیوند و هماهنگی وسیعتر و فرا فابریکی، منطقه ای و حتی سراسری در مراکز کارگری دارد. اول مه میتواند بسیار همه جانبه تر و وسیعتر به روز همبستگی و اعمال حضور و تجمع کارگران و خانواده های کارگری در بسیاری از مراکز کار و در محلات کارگر نشین تبدیل شود، میتواند روز اعلام اتحاد کارگری، روز جشن و سرور خانواده های کارگری در محلات و شهرها باشد. این احتیاج به سطحی دیگر از کار و آمادگی، به برداشتن قدمی بزرگتر از اتحاد و هماهنگی فعالین و رهبران هوشیار طبقه کارگر دارد. این هم روی میز همه ما کمونیست ها، همه فعالین و رهبران عملی کارگری قرار دارد. تا همینجا باید دست همه دست اندرکاران مراسمهای کارگری را فشرده و به آنها دست مریزاد گفت.

اول ماه مه امسال، مهر این دوره و اعتراض طبقه کارگر جهانی به این توحش و ویرانگری، اعتراض به جنگ و جنایت و میلیتاریسم، به گرانی و فقر و بربریت کاپیتالیستی را بر خود داشت. کارگران در اول مه از فرانسه و آلمان، از انگلستان تا سوئد، یونان، ایتالیا و... تا ترکیه و بسیاری از کشورهای دیگر اگر علیه فقر و بی حقوقی خود، علیه ریاضت اقتصادی تحمیل شده به صدا در آمدند و دولتهای حاکم را نفرین کردند، همزمان علیه جنگ و میلیتاریسم از هر سو، علیه ناتو و جنگ طلبی آن، علیه تسلیحات اتمی و هزینه های سنگین آن، علیه نابودی کره زمین و طبیعت و محیط زندگی موجودات زنده در خدمت سود سرمایه داران به صدا در آمدند. در اول مه صدای این حق طلبی بعد از چند هفته بی صدایی و سکوت مردم که زیر تبلیغات وسیع رسانه های رسمی و دروغ پراکنی آنها حول جنگ در اوکراین خفه شده بودند، در اول مه شنیده شد.

بعلاوه در همین دوره شاهدیم که دولتهای بزرگ جهان در جدال با همدیگر بر سر سهم خود در تقسیم مجدد جهان، جنگهای ویرانگری را به بشریت تحمیل کردند. جنگهایی که طی یک دهه گذشته چند میلیون انسان را قربانی کرد. چندین کشور به ویرانه تبدیل شده اند و دهها میلیون انسان خانه بدوش و آواره و سرگردان. ادامه این کشمکش ها در سال گذشته با سپردن افغانستان به طالبان توسط دولتهای غربی به ریاست آمریکا سرنوشت طبقه کارگر و مردم محروم افغانستان و خصوصاً زنان رسماً به جنایتکارانی سپرده شد که در توحش و بربریت پیشتازند. این کشمکش ها نهایتاً در بحران اوکراین با حمله روسیه به این کشور به جنگی تبدیل شد که اکنون بیش از ۵۰ روز از آن میگذرد و قربانیان آن نیز اساساً از کارگران و اقشار محروم در روسیه و اوکراین است. جنگی که تبعات آن با تحریمهای گسترده اقتصادی علیه روسیه توسط دولتهای غربی علاوه بر مردم این کشور، توانش را طبقه کارگر و اقشار محروم در اروپا، آفریقا، آسیا و... با گرانی، تورم، بیکاری و بالا رفتن مخارج زندگی میدهند.

افزایش سرسام آور هزینه های نظامی به بهانه جنگ اوکراین، توجیه گرانی و فقر و ایجاد فضای ترس و نگرانی از جنگ و خطر «حمله» روسیه در خود اروپا از جانب رسانه های غربی ابزاری برای به تسلیم کشاندن مردم اروپا در مقابل ریاضت اقتصادی و برنامه های نظامی و فضای میلیتاریستی و تشویق و ترغیب دولت اوکراین برای ادامه و شعله ور نگهداشتن جنگ بود. سیاستی که ناتو و دولت آمریکا در راس آن قرار دارد.

اول ماه مه امسال، مهر این دوره و اعتراض طبقه کارگر جهانی به این توحش و ویرانگری، اعتراض به جنگ و جنایت و میلیتاریسم، به گرانی و فقر و بربریت کاپیتالیستی را بر خود داشت. کارگران در اول مه از فرانسه و آلمان، از انگلستان تا سوئد، یونان، ایتالیا و... تا ترکیه و بسیاری از کشورهای دیگر اگر علیه فقر و بی حقوقی خود، علیه ریاضت اقتصادی تحمیل شده به صدا در آمدند و دولتهای حاکم را نفرین کردند، همزمان علیه جنگ و میلیتاریسم از هر سو، علیه ناتو و جنگ طلبی آن، علیه تسلیحات اتمی و هزینه های سنگین آن، علیه نابودی کره زمین و طبیعت و محیط زندگی موجودات زنده در خدمت سود سرمایه داران به صدا در آمدند. در اول مه صدای این حق طلبی بعد از چند هفته بی صدایی و سکوت مردم که زیر تبلیغات وسیع رسانه های رسمی و دروغ پراکنی آنها حول جنگ در اوکراین خفه شده بودند، در اول مه شنیده شد. اول مه موج بیداری از شوک و هراس از «خطر جنگ» و فضای جنگی را نوید داد. اول مه امسال اعلام این حقیقت بود که این طبقه به وسعت جهان در مقابل این توحش و بربریت سکوت نخواهد کرد. دوره ای که بی آبرویی میدیای غربی و نفرت از آن، نفرت از همه نوع حاکمیتهای بورژوازی از مستبدترین تا به اصطلاح نوع «دمکرات» و «متمدن و آزاد» و نوع پارلمانی آن، تا بی اعتباری همه احزاب راست و چپ بورژوازی در قدرت و از جمله احزاب سوسیال دمکرات که امروز دیگر تشخیص تفاوت آنها از محافظه کار و راستهای افراطی کار ساده ای نیست، همه جا قابل رویت بود.

اول مه در ایران

بی تردید ایران از دایره این وضع عمومی مستثنی نبود و سایه فضای میلیتاریسم و تبلیغات جنگی رسانه های بزرگ و تحریکات و تبلیغات نژاد پرستانه آنها، در ایران هم شنیده میشد. اما تحولات دوره اخیر در این جامعه و گستردگی اعتراضات حق طلبانه طبقه کارگر و اقشار محروم در این دوره، امید به تحولات انقلابی و اعتماد به نفس پیدا کردن مردم محروم زیر سایه بزرگترین اعتراضات و اعتصابات کارگری این دوره، وضع ایران را به درجه زیادی و مستقل از تلاش حاکمیت، متفاوت میکرد.

سال گذشته در ایران موج وسیعی از مبارزات برابری طلبانه و ضد نظام سرمایه داری، برای عدالت و برابری و رفاه عمومی در بسیاری از مراکز کارگری در جریان بود. ادامه اعتراضات در فولاد اهواز و هفت تپه، اعتصابات در معادن، اعتصابات وسیع و بزرگ در نفت و گاز و پتروشیمی ها تنها نمونه های بزرگ این اعتراضات است. عروج طبقه کارگر در چند سال اخیر با پرچم برابری و مطالبات انسانی و حق طلبانه خود مهر خود را به سیاست و فرهنگ و ادبیات و روانشناسی این جامعه حاکم کرد و تحولی جدی در فضای سیاسی ایران و امید به تحولات بزرگ بر دوش این طبقه را به همه جا برد و توازن پایین و بالا را به نفع طبقه کارگر و بخش محروم جامعه عوض کرد. زیر سایه این تحول فضایی باز شد و علاوه بر این طبقه بخشهای محروم جامعه از معلم و بازنشسته تا زنان، دانشجویان و مردم محروم حاشیه شهرها و تا حتی کشاورزان دست به اعتراضات وسیع زدند.

قطب‌نامه شبکه کارگران سوسیالیست

شبکه کارگران سوسیالیست (Socialist Labour Network) تهاجم روسیه به اوکراین را محکوم می‌کند. ما خواهان آتش بس فوری و عقب‌نشینی سریع نیروهای مسلح روسی هستیم. طبقه کارگر روسیه و اوکراین هیچ سودی از این جنگ نمی‌برند و در عین حال بیشترین بها را می‌پردازند. علیرغم موقعیت وحشتناکی که به واسطه تشدید جریان‌ات ناسیونالیستی متخاصم به وجود آمده، ما از اتحاد در بین کارگران در درون مرزهای ملی حمایت می‌کنیم. کارگران اوکراین و روسیه منافع مشترکی دارند.

ما خواهان انحلال ناتو به عنوان یک اتحاد امپریالیستی متجاوز هستیم.

ما خواهان خلع سلاح هسته‌ای یک‌جانبه بریتانیا و فسخ «تراپدنت» هستیم.

ما از تظاهرکنندگان روس که علیرغم سرکوب پلیس، به این تهاجم نظامی اعتراض کرده‌اند حمایت می‌کنیم. ما از تشکیل جنبش‌های توده‌ای ضد جنگ حمایت می‌کنیم. از جمله در میان نیروهای روس.

ما از کارگران اوکراینی که مستقل از رژیم زلنسکی عمل می‌کنند و سازمان‌های خودشان را تشکیل می‌دهند حمایت می‌کنیم. ما اقدام زلنسکی در ممنوع اعلام کردن پیازده حزب چپ را محکوم می‌کنیم.

ما تمام گروه‌های راست افراطی و فاشیست در هر دو طرف جنگ، که به دنبال بهره‌برداری از این جنگ برای تشکیل سازمان خودشان هستند را محکوم می‌کنیم. و همچنین به طور اخص تامین تسلیحات و آموزش‌های نظامی «گردان نئو نازی آروف»، توسط ایالات متحده، اسرائیل و بریتانیا را محکوم می‌کنیم. گردان آروف در نیروهای مسلح اوکراین ادغام شده است و بخشی از حاکمیت اوکراین است. اوکراین تنها کشوری است که برای بزرگداشت یکی از همدستان نازی‌ها، استفان باندر، که نیروهای تحت امرش مسئول مرگ دویست هزار یهودی، کولی و لهستانی بودند را تعطیل رسمی اعلام کرده است.

این جنگ یک نزاع نیابتی بین روسیه و ایالات متحده است که با گسترش ناتو به اروپای مرکزی و شرقی جرقه‌ای آن زده شده است. ما مخالف این گسترش و هر گونه مداخله‌ی نیروهای ناتو در این نزاع هستیم. اوکراین باید یک دولت بی‌طرف بشود که از لحاظ نظامی نه متمایل روسیه است و نه ناتو.

ما مخالف تحریم‌ها علیه روسیه هستیم. تحریم‌های اقتصادی به طور خارج از حدی کارگران روسیه را تحت فشار قرار می‌دهد و حتی ممکن است باعث تقویت حمایت‌ها از پوتین بشود.

ما ریاکاری برخی دولت‌مردان بریتانیا را فراموش می‌کنیم که از سرکوب اعتراضات در روسیه انتقاد می‌کنند و در حالی که می‌بینند «طرح پلیس، جرم و محکومیت» در راستای به وجود آوردن محدودیت‌های مشابه علیه اعتراضات و علیه دموکراسی در بریتانیا است.

ما فراموش می‌کنیم آنهایی را که تحریم علیه اسرائیل را «یهودی ستیزی» نام می‌گذارند و در همان حال (در عین بی‌تفاوتی آنها) تحریم‌های کشته‌بر روسیه اعمال می‌شود.

ما انتقادهای مزورانه‌ی برخی از تهاجم روسیه به اوکراین را فراموش می‌کنیم در حالیکه از مبارزان یمن توسط عربستان سعودی حمایت می‌کنند.

ما خواهان استقبال از آوارگان همه‌ی جنگ‌ها هستیم.

ما تلاش‌های «کایر استارمر» برای توقف بحث درباره ناتو در داخل حزب کارگر، و قلدری‌ها و تهدیدهایش علیه مخالفان را محکوم می‌کنیم.

ما از حق جدایی دو منطقه‌ی جدا شده دونتسک و لوهانسک به دلیل حملات علیه روس‌ها و روس‌زبانان اوکراینی حمایت می‌کنیم.

به طور خلاصه:

دست روسیه از اوکراین کوتاه. عقب‌نشینی فوری نیروهای اشغالگر.

همبستگی با مردم اوکراین در دفاع از حقوق دموکراتیک‌شان.

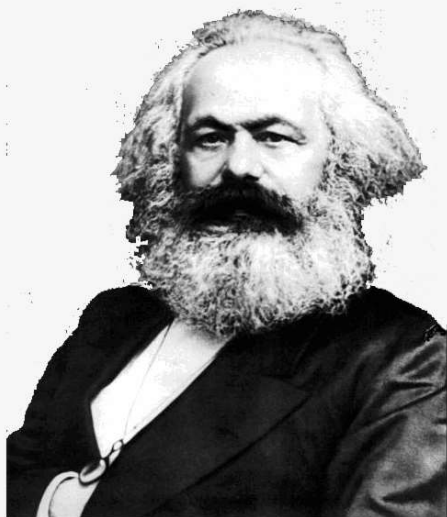
بی‌اعتمادی به ناتو، اتحادیه اروپا، پاپدن و جانسون.

حق تعیین سرنوشت برای مردم دُنْباس و کریمه بر اساس یک رفتارندوم دموکراتیک.

غیرنظامی‌سازی مرزها از هر دو طرف.

اتحاد کارگران روسیه و اوکراین در سرنگونی سرکوبگران ارتجاعی و فاسدشان.

در ۲۰۴مین سالگرد تولد مارکس بشریت برای رهایی نیازمند بازگشت مارکس است!



«مارکسیسم یک تبیین بسیار عمیق و از نظر متدولوژیک و محتوایی استوار و منسجم از جامعه سرمایه داری است. مارکسیسم انتقاد و ادعانه‌ی یک بخش مشخص جامعه، یعنی طبقه کارگر مزدی، نسبت به مناسبات موجود است. بنظر من نه فقط تحولات امروز شوروی، بلکه کل واقعیات اقتصادی و اجتماعی زمان ما، کل مشغله جهان امروز و مسائلی که در رسانه‌ها، آکادمی‌ها، و قلمروهای خودانگیخته تری نظیر هنر و ادبیات و غیره بعنوان مسائل اصلی جامعه معاصر مورد بحث قرار می‌گیرد هر روز بر صحت تبیین و انتقاد مارکسیستی از این جامعه تاکید می‌کند. مارکس را استهزاء می‌کردند که مناسبات اقتصادی را تعیین‌کننده حیات سیاسی و فرهنگی جامعه می‌داند. امروز از هر عابری در خیابان پرسیدید از رشد راسیسم و فاشیسم و ناسیونالیسم و جنایت تا گل کردن فلان سبک نقاشی یا موسیقی را به وضعیت اقتصادی ربط می‌دهد. آخوند در ایران بقای دیانت را در عملکرد بانک مرکزی و وزارت صنایع و نرخ برابری ریال و دلار جستجو می‌کند. همه میدانند که مساله بر سر سود و باارآوری کار است. همه‌تد دلشان میدانند که دولت ابزار چه کاری است و پلیس و ارتش برای چه درست شده. همه میدانند که در مرکز جامعه کشمکش دائمی ای میان کارگر و سرمایه دار و مزد بگیر و مزد بده در جریان است. روشن شده که هر چگه آزادی و انسانیت در جامعه به دامنه قدرت کارگر و سازمان کارگری در برابر نگاههای سرمایه داری و احزاب و دولتهای وابسته به آنها گره خورده است. این انتظار از سازمانهای کارگری که مخالف استثمار و استبداد باشند، مخالف تبعیض باشند، خواهان رفاه اجتماعی باشند و غیره، به انتظار طبیعی مردم تبدیل شده است. کارگر با آزادی و رفاه و بورژوا با تبعیض و چپاول تداعی شده. بنظر من قرن بیستم، قرن مارکسیسم و همه گیر شدن برداشتهای مارکسیستی از جهان سرمایه داری بود. ...»

مارکسیسم و جهان امروز - منصور حکمت

گزارش تشکیلات خارج کشور حزب از برگزاری مراسم های اول ماه مه در کشورهای مختلف

میلیتاریسم به بهانه جنگ در اوکراین پرداختند. سخنرانان ضمن اشاره به وضع منطقه خاورمیانه از کردستان تا عراق و موقعیت طبقه کارگر بر ضرورت انقلاب کارگری و سوسیالیسم به عنوان تنها راه رهایی طبقه کارگر جهانی و بشریت از سیستم کاپیتالیستی تاکید کردند. مراسم بعد از سخنرانی رفقا تا پاسی از شب با موزیک و رقص و پایکوبی ادامه داشت. ما در این روز اعلام کردیم که طبقه کارگر ایران با طبقه کارگر در هر جای دنیا از آمریکا، اروپا، روسیه، چین و کشورهای خاورمیانه، همه منفعت مشترکی در به زیر کشیدن مناسبات سرمایه داری دارند. اول مه امسال نشان داد که سنگری عظیم به گستردگی کارگران جهان در مقابل بورژوازی گسترده شده که استوار بر منافع طبقاتی خود و در صف مستقل خود به میدان آمده اند!

زنده باد مبارزات کارگران جهان علیه استثمار و نابرابری
زنده باد حکومت کارگری

تشکیلات خارج حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد لندن
۱ می ۲۰۲۲



گزارش مراسم اول ماه مه در لندن - انگلیس

مراسم امسال طبق روال هر ساله ی کشورهای مختلف جهان، در روز یکشنبه اول ماه می ۲۰۲۲ در لندن هم برگزار شد. این مراسم که با فراخوان اتحادیه های کارگری انگلیس بود با حضور وسیع شرکت کنندگان روبرو شد و طبق سنت هر سال تجمع از مقابل کتابخانه مارکس در لندن شروع شده و پس از راهپیمایی به سمت میدان ترافالگار خاتمه یافت.

به جرات میتوان گفت پس از اوضاع قرنطینه و در شرایط پسا کرونایی انگلیس این راهپیمایی از بایستگی مهمی برخوردار بود و البته موج نارضایتی مردم از شرایط معیشتی در سطحی وسیع قابل رؤیت بود!

مطالبات و شعارهای امسال در راهپیمایی به طرز نمایانی بر اوضاع معیشتی مردم، نه به ریاضت اقتصادی، نه به جنگ، و عیان ساختن تأثیرات عظیم فشارهای اقتصادی و بیکاری، بالا رفتن مالیات ها و ... بود.

و البته شعارهای 'نه به جنگ'، که بیان میکرد این نوع جنگ های حاکمان سرمایه داری هیچ ربطی به منفعت طبقه کارگر از بریتانیا تا ایران و چین و روسیه ندارند، و کارگران تنها در یک چیز مشترک اند، آن هم طوق زنجیرهای حاکمان بورژوازی ست! در این میان سرود انترناسیونال هم به کرات در راهپیمایی طنین انداز بود.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) به همراه حزب کمونیست کارگری کردستان و حزب کمونیست کارگری عراق در این مراسم فعالانه شرکت کردیم.

بعلاوه روز شنبه ۳۰ آوریل نیز جشنی در گرامیداشت روز جهانی کارگر به دعوت تشکیلات لندن سه حزب کمونیست کارگری عراق، حزب کمونیست کارگری کردستان و حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت دهها نفر از برگزار شد. در این مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان را آزادی و سوسیالیسم و بدنبال تریک اول مه و خوشامدگویی از مهمانان شروع شد. بدنبال رفقا دشتی جمال و نادیه محمود از اعضا رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان و عراق سخنانی به مناسب اول مه ایراد کردند. رفقا در سخنان خود به وضع جهان ما و جنگها و کشمکشهای امپریالیستی در خاورمیانه و در امتداد آن جنگ در اوکراین و عواقب وحشتناک آن برای بشریت و تعرضات بورژوازی در همه جهان به معیشت طبقه کارگر و افزایش دامنه این تعرضات و



گزارش جشن اول مه در کلن - آلمان

۳۰ آوریل به مناسبت اول ماه مه جشنی از طرف حزب کمونیست کارگری کردستان و حزب حکمتیست (خط رسمی) برگزار شد.

مراسم ابتدا با تریک روز اول ماه مه و همچنین اعلام دستور برگزاری و سخنرانی رفیق گهشاو از طرف حزب کمونیست کارگری کردستان شروع شد و همچنین محمد راستی از طرف حزب حکمتیست (خط رسمی) سخنرانی و پیامی را به مناسبت اول مه ارائه دادند و در ادامه از طرف یکی از مهمانان شعری خوانده شد، بدنبال رفیق جواد طیب از رفقای کمونیست افغانستان در مورد اول مه و اهمیت آن و اوضاع فلاکتبار مردم افغانستان و به ویژه طبقه کارگری که از لحاظ فقر و فلاکت در اوضاع به شدت غیرقابل تحمل معیشتی، بهداشت و درمان و نبود امنیت و ... هستند که قابل مقایسه با هیچیک از کشورها نیست، سخنانی ایراد کردند. رفیق طیب در مورد اقدام مشترک و اتحاد و انسجام طبقه کارگر صحبت کردند و روی تاثیر مخرب ناسیونالیسم و مذهب در ایجاد شکاف و غیر حساس کردن بخشهای مختلف مردم در دنیا نسبت به اتفاقات و تعرض بورژوازی تاکید کردند. ... ادامه گزارش در صفحه بعد

بیانیه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورایا است

بخش دوم مراسم، صرف شام و میوه و نوشیدنی و اجرای موزیک و رقص بود که شب بسیار زیبا و صمیمانه‌ای را تا ساعت ۲۳ دور هم رقم زد.

اول ماه مه واحد کلن حزب حکمتیتست (خط رسمی) از ساعت ۱۱:۳۰ در محل تجمع با پرچمهای سرخ، پلاکاردهای ضد جنگ، اتحاد طبقه کارگر رمز پیروزیست و تراکتهای متنوع دیگر که با زبانهای آلمانی و فارسی و لوگوی حزب تزئین شده بود همراه با رفقای حزب کمونیست کارگری کردستان، حزب کمونیست کارگری عراق، حزب کمونیست آلمان و هزاران کارگر و کمونیست دیگر مراسم روز جهانی کارگر را شروع کردیم.

راهپیمایی به روال هر ساله از جلو ساختمان DGB یکی از اتحادیه های کارگری بزرگ آلمان شروع و طی مسیری پنج کیلومتری از خیابانهای اصلی شهر به میدان اصلی تجمع به نام Alte-Markt ختم شد. سراسر این مسیر اتحادیه‌ها، احزاب مختلف، شخصیتها هر جمع با در دست داشتن آرهما و پلاکاردهای خود و سردادن شعار مورد نظرشان زیبایی خاصی به راهپیمایی داده بود، مخصوصاً شعارهای: اتحاد، اتحاد، انترناسیونال است رمز پیروزی، بدون استثناء تکرار میشد و زمین و سیستم سرمایه‌داران را به لرزه درآورده بود.

شعار عمومی دیگر در تقابل با جنگ بود. ما به دنبال رفقای کمونیست آلمانی که بیشترین شعارهای ضد جنگ را حمل میکردند به جلوجایگاه پند سخنانی DGB (حزب سوسیال دمکراتها) رفتیم. برخی سخنرانان DGB در دفاع از سیاستهای آلمان در مورد جنگ سخنرانی میکردند.

شرکت کنندگان چهار حزب: حکمتیتست (خط رسمی)، حزب کمونیست کارگری کردستان، حزب کمونیست کارگری عراق، حزب کمونیست آلمان با بلند گوی دستی که همراه داشتیم به افشاکاری این سخنانی‌ها پرداختیم که باعث شد مدافعان دولت در ضدیت با شعار علیه جنگ و فضای ملیتاریستی واکنش نشان دهند و مردم و شرکت کنندگان را با احضار پلیس تهدید کنند. نهایتاً ما با شعارهای ضد جنگ، ضد ناتو و محکوم کردن گسیل نیروی نظامی و ادوات جنگی به اوکراین فضا را قطبی کردیم و جمعیت همراه و متحد با ما شعارها را تکرار کرده و طین انداز شد و از طرف بخش وسیعی از شرکت کنندگان در مراسم مورد تأیید قرار گرفت و فضا عموماً نشان از مخالفت با جنگ و فضای ملیتاریستی بود.

سخنرانان دیگری در مراسم از بخش بیمارستان، معلمان و کارگران از مشکلات معیشتی و کمبودهای بهداشتی و تحصیلی و کمبود نیرو در بخشهای مختلف اجتماعی مختلف صحبت کردند.

زنده باد اول مه

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیتست (خط رسمی) واحد کلن

۱ می ۲۰۲۲

گزارش مراسم اول ماه مه در تورنتو-کانادا

مناسبت اول ماه می روز اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر، در روز شنبه ۳۰ آوریل مراسمی در شهر تورنتو، از طرف تشکیلات کانادا، سه حزب: کمونیست کارگری عراق، حکمتیتست (خط رسمی) و کمونیست کارگری کردستان، بر گذار شد.

در این مراسم سخنانی در گرامیداشت روز جهانی کارگر و اتحاد و یکپارچگی و تلاش برای تغییر و دگرگونی دنیای موجود و برقراری جامعه‌ای فارغ از استثمار و کارمزدی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید یعنی سوسیالیسم، انجام گرفت.

سخنرانان در این مراسم عبارت بودند از:

سردار عبدالله (به زبان کردی)

سمر عزیز (به زبان انگلیسی)

(Kirk Vadivelu (Member of Municipal socialist action

(Nawzad Medhat (socialist action

در این رابطه، سخنرانان بر سر مسئله تشکیل طبقاتی کارگران و انسجام یافتن در حزب طبقاتی خودشان بعنوان ابزاری برای تغییر و دگرگونی مناسبات اجتماعی سرمایه داری تأکید کردند.

در جوار مراسم نمایشگاه عکس و کتاب مختلف در ارتباط با مبارزه طبقاتی کارگران، به زبانهای انگلیسی، و فارسی و کردی و عربی دایر بود.

تشکیلات خارج حزب حکمتیتست (خط رسمی) واحد تورنتو

۱ می ۲۰۲۲



گزارش مراسم اول ماه مه در گوتنبرگ-سوئد

روز یکشنبه ۱ مه، روز جهانی کارگر مراسم ها و تظاهرات های مختلفی در گوشه کنار شهر گوتنبرگ برگزار شد.

یکی از این تظاهرات ها که بیشتر مورد توجه قرار گرفت، تظاهرات صف چپ با شرکت هزاران نفر بود که با در دست داشتن پلاکارت و باندرولهایی با شعار(نه به جنگ، نه به ناتو، ۶ ساعت کار، علیه تخریب محیط زیست، علیه کاپیتالیسم و زنده باد سوسیالیسم) در Andra-Långgatan بود که به سمت میدان Gustav-Adolf راهپیمایی کردند.

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیتست (خط رسمی) نیز با در دست داشتن پرچم حزب، پوسته های مارکس و پلاکارت علیه جنگ و ملیتاریسم و سر دادن شعارهایی با همین مضامین حضور فعالی در این مراسم داشتند.

تشکیلات خارج حزب حکمتیتست (خط رسمی) واحد گوتنبرگ

۱ می ۲۰۲۲

گزارش مراسم اول ماه مه در کپنهاگ-دانمارک

روز یکشنبه ۱ مه، روز جهانی کارگر مراسم روز جهانی کارگر با شرکت احزاب و شخصیتهای چپ و کارگری در کپنهاگ دانمارک برگزار شد که حزب حکمتیتست (خط رسمی) نیز با پلاکارت های مارکس و منصور حکمت و شعار علیه فضای ملیتاریسم از شرکت کنندگان در این مراسم بود.

مراسم با سخنرانی های متعدد و راهپیمایی نمادین ویژه این روز ادامه داشت، که سخنرانان در خصوص وضعیت رفاهی و معیشت در سطح جامعه و همچنین در ضدیت با فضای ملیتاریستی و جنگی حقه شده به مردم صحبت کردند.

در این راهپیمایی و مراسم رفقا حزب ما به پخش نشریات و ادبیات حزبی در بین شرکت کنندگان پرداختند. بعلاوه کتبهایی از حزب از جمله در مورد جنبش شورائی و مجامع عمومی کارگری را در دسترس قرار دادند..

تشکیلات خارج حزب حکمتیتست (خط رسمی) واحد کپنهاگ

ابراهیم هوشنگی

۱ می ۲۰۲۲



hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena